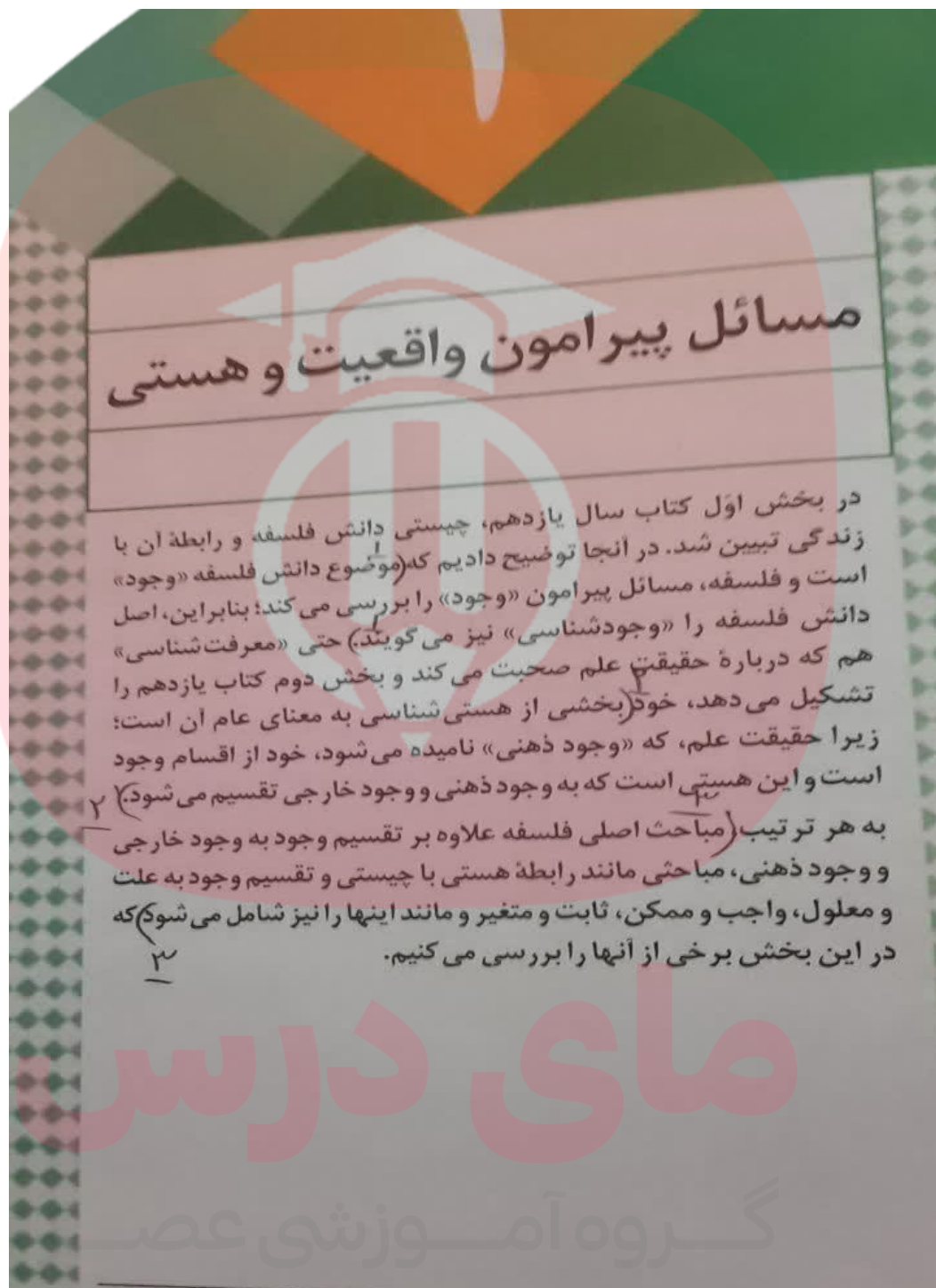


## سوالات خط به خط درس اول

- ۱) موضوع دانش فلسفه چیست؟ نام دیگر این دانش چیست؟ ص ۱
- ۲) معرفت شناسی چه ارتباطی با هستی شناسی دارد؟ علت این ارتباط را بیان نمایید. ص ۱
- ۳) مباحث اصلی فلسفه شامل چه مواردی می شود؟ ص ۱
- ۴) یکی از مباحث اولیه فلسفه، چه موضوعی است؟ چرا به عنوان یک مبحث اولیه محسوب می شود؟ ص ۲
- ۵) قدم‌های شناخت نسبت وجود و ماهیت را به ترتیب بیان نمایید. ص ۲-۴
- ۶) دو حیثیت که انسان در همه چیزها مشاهده می کند چیست؟ هر کدام بیانگر چه وجهی از موجودات است؟ ص ۳  
(نهایی: دی ۹۸)
- ۷) بحث وجود و ماهیت و تمایز آن دو در ذهن، در فلسفه فارابی و ابن سینا چه جایگاهی دارد؟ ص ۴
- ۸) منظور از اینکه می‌گوییم وجود و ماهیت دو جنبه از یک چیزند، چیست؟ با چه مثالی تطبیق پذیر نیست؟ ص ۴
- ۹) وقتی می‌گوییم انسان موجود است، تفاوت «انسان» و «وجود» در چیست؟ توضیح دهید. ص ۴
- ۱۰) طبق نظر ابن سینا آیا تفاوتی بین قضیه «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» وجود دارد؟ ص ۵
- ۱۱) طبق نظر ابن سینا چه تفاوتی بین قضیه «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» وجود دارد؟ ص ۵
- ۱۲) حمل وجود بر چیستی، به چه نوع دلیلی محتاج است؟ ص ۵
- ۱۳) منظور از حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی را بیان نمایید. ص ۵
- ۱۴) درباره توجه ارسطو به نظریه مغایرت وجود و ماهیت در ذهن، توضیح دهید. ص ۶
- ۱۵) توجه خاص ابن سینا به مغایرت وجود و ماهیت در ذهن، چه نتایجی به دنبال داشت؟ ص ۶
- ۱۶) توماس آکوئیناس تا چه اندازه به فلسفه ابن سینا و نظریه مغایرت وجود و ماهیت در ذهن، توجه داشت؟ ص ۶
- ۱۷) علاوه بر آکوئیناس، چه کسانی نظری نزدیک به او داشتند؟ ص ۶ و ۷
- ۱۸) آلبرت کبیر و راجر بیکن چه نقشی در آشنا کردن مجدد اروپاییان با فلسفه ارسطو داشتند؟ ص ۷  
(نهایی: دی ۹۸)
- ۱۹) از قرن ۱۶ میلادی در اروپا، چه فلسفه‌هایی جایگزین فلسفه ابن سینا شد؟ ص ۷
- ۲۰) نظریه مغایرت وجود و ماهیت ابن سینا، چه جایگاهی نزد فلاسفه مسلمان بعد از او داشت؟ ص ۷

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir



[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## هستی و چیستی<sup>۴</sup>

۴ (یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (وجود و ماهیت) است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.) برای شناخت این نسبت، چند قدم برمی‌داریم تا در قدم آخر، نسبت این دو مفهوم به روشنی مشخص شود.

### قدم نخست

۵ (هر یک از ما با دقت در زندگی خویش، متوجه می‌شویم که همواره در اطرافمان «چیزهایی» را یافته و به حسب نیاز، از آنها استفاده کرده‌ایم؛ برای مثال، آب را شناخته‌ایم و با نوشیدن آن تشنگی خود را رفع کرده‌ایم.)

در همین سیر به گذشته، مواردی را هم به خاطر داریم که چیزی را واقعی و موجود پنداشته‌ایم، اما اندکی بعد، به اشتباه خود پی برده و متوجه شده‌ایم که آن چیز، خیالی است و واقعیت ندارد؛ مانند گول، دیو، ققنوس، سیمرغ و سراب.)<sup>۵</sup>

۱. این درس برگرفته از آثار زیر است: بنیاده الحکمة از علامه طباطبایی با شرح علی شیروانی، ج ۱، ص ۳۵ (چاپ ۱۳۷۴). - مجموعه آثار مرتضی مطهری، ج ۹، ص ۴۹. - مجموعه آثار مرتضی مطهری، ج ۵، ص ۵۹ (چاپ ۱۳۷۴). - سرگذشت فلسفه از برای بگی، ص ۲۰ و فلسفه پیش دانشگاهی چاپ ۱۳۹۷، ص ۲۸-۳۶.

تأمل

رفتار طبیعی و معمولی فوق که همه ما انسان ها بدون استثنا انجام می دهیم، در بردارنده چه پیام های فلسفی است؟

- ① می فهمیم اصل پذیرش و اذیت، یک اصل بدی و روشن است  
 ② می فهمیم هر گمان این اصل را قبول دارند زیرا که در این مورد رفتار مشابهی دارند.

قدم دوم



پدری کودک خود را به باغ وحش می برد تا او را با حیوانات مختلف آشنا کند. حیوان بزرگ و تنومندی در همان ابتدا توجه کودک را جلب می کند. کودک با دیدن آن حیوان از پدر می پرسد: «این چیست؟»

پدر می گوید: «این حیوان بزرگ و تنومند، فیل نام دارد و در جنگل های هند و آفریقا زندگی می کند. وزن این حیوان گاهی به

۶۰۰۰ کیلوگرم هم می رسد. فیل با این خرطوم بلند که در جلوی سرش دارد، آب و غذا می خورد. این حیوان سنگین ترین حیوان روی خشکی است.»

پس از عبور از این حیوان، نوبت به حیوان دوم می رسد. کودک همان سؤال قبلی را تکرار می کند و پدر هم توضیحاتی، البته متفاوت با توضیحات قبلی، می دهد. در مواجهه با سایر حیوانات نیز همین پرسش و پاسخ تکرار

می شود. <sup>حیوانات</sup> <sup>دوم</sup> <sup>انسان</sup> <sup>مشابه</sup> کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می دهد که به «وجود» حیوانات پی برده است و می داند که آنها موجودند اما از ماهیت و چستی هریک از آنها آگاه نیست. او می خواهد آن حیوانات را که همه موجودند، بشناسد و از چستی شان آگاه شود؛ هر چند که این آگاهی کامل نباشد. <sup>د</sup> پس می توانیم بگوییم:

- ① انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو حیثیت می یابد: حیثیت موجود بودن و حیثیت چستی داشتن.  
 ② وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها. <sup>۲</sup>



قدم سوم

۱- (فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود. ابن سینا، دیگر فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه‌ی یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده‌ی آب هستند؛ حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند که مثلاً اگر کسی بپرسد چه رنگی است، می‌گوییم سفید است) وقتی می‌گوییم «انسان موجود است»، تفاوت «انسان» و «وجود» فقط در ذهن و از جهت مفهوم است، و الا در خارج، دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم) یعنی (در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می‌دهیم. به عبارت دیگر، «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه.)

ابن سینا این بحث را ادامه داد و به نتایج دیگری هم رسید.


قبل از توضیح نظر ابن سینا، و برای درک بهتر آن، گزاره‌های زیر را تکمیل می‌کنیم.

تکمیل گزاره‌ها

حالت معمولی انسان‌ها

- ۱ اطراف ما اشیاء فراوانی هستند که هم «چیستی» آنها را تا حدود زیادی می‌شناسیم و هم از «هستی» شان اطلاع داریم؛ مانند:  
درختان، انسان‌ها، آب، حیوانات و ...
- ۲ برخی امور هستند که «چیستی» شان برای ما روشن است و حتی در علوم هم کاربرد دارند اما نمی‌دانیم به همان دقتی که آنها را تعریف می‌کنیم، «وجود» دارند یا نه؛ مانند:  
انگال و جرم‌های هندسی
- ۳ برخی امور هستند که از «هستی» شان خبر داریم اما هنوز درباره‌ی «چیستی» آنها نظر روشنی نداریم؛ مانند:  
سیاه‌چال‌ها، رهنما، حقیقت نور
- ۴ «چیستی» های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون «وجود» ندارند؛ مانند:  
سری دریا، دریا، جسمه

گزاره‌های فوق، گرچه به مسائل روزمره‌ی ما مربوط می‌شوند و قضایای فلسفی نیستند، یک تبیین فلسفی دارند که ابن سینا به آن توجه می‌کند.



کتاب شفا مهم‌ترین و جامع‌ترین اثر ابن سینا شامل منطق، طبیعیات، ریاضیات و الهیات است. مؤلف در هر چهار قسمت به طور دقیق و کامل سخن گفته و مطالب لازم را درباره هر یک از این چهار علم به صورتی منظم و قابل استفاده در اختیار مخاطب قرار داده است.

۱۱ (او می‌گوید در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»، حمل «وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است.)

۱۱ (در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، «حیوان ناطق» که محمول فنیبه است، در تعریف انسان آمده است؛ پس، «انسان» همان «حیوان ناطق» است. به عبارت دیگر، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظاً «انسان» برای همین چیزی که «حیوان ناطق» است به کار می‌رود؛ همان طور که از واژه مثلث برای «شکل سه ضلعی» استفاده می‌شود و تفاوت آنها صرفاً در گستردگی شان است؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده‌تر انسان است.)

۱۲ بنابراین، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید؟

۱۳ اما در عبارت «انسان موجود است»، مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ضروری برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می‌تواند موجود باشد و می‌تواند موجود نباشد.)

بنابراین (حمل «وجود» بر هر «چیستی»، از جمله «انسان»، نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض.) ۱۴

**بوردیسی**

اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» با جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.

(غلط) پاسخ مثبت ← اگر مفهوم «وجود» عین یا جزء مفهوم «ماهیت» باشد، دل وجود بر ماهیت نیاز به دلیل ندارد.

(صحیح) پاسخ منفی ← اگر مفهوم وجود عین یا جزء مفهوم «ماهیت» نباشد، دل وجود بر ماهیت نیاز به دلیل داشت.

چون مفهوم ماهیت وجودی می‌شوند

چون مفهوم ماهیت وجودی می‌شوند

۱. الاشارات و التنبیها، بحث الهیات، نعمان چهارم، فصل ۲۲، اشاره با شرح طوائف سیرالذین طوسی در اول این کتاب.

۲. انسان موجود است، حمل را حمل تابع متاعی نامیده‌اند. هر گاه مفهوم موضوع و محمول یکی باشد، حمل اولی ذاتی است و هر گاه مفهوم محمول غیر از موضوع باشد، حمل تابع متاعی است.) ۱۳

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir



اِکِناس در سال ۱۲۲۵  
قایل به دنیا آمد. او حدود  
بر کرد. او فعالیت علمی و  
در شهرهای پاریس، رم،  
نجام داد. او یکی از رهبران  
بسیای کاتولیک به شمار  
سته ترین فیلسوف و متکلم  
وسطی شمرده می شود.  
اندیشه ابن سینا آشنا بود و با  
شد در اروپا مشاجرات علمی  
ت. وی از پیشگامان رویکرد  
بیت بود و تلاش می کرد  
تیت را با دلایل عقلی همراه  
و مراسم مسیحی را با عقل  
... پاپ لویی سیزدهم در سال  
سفه او را به عنوان سرمنشی  
مسیحی ستود. از آن پس  
توماس آکوئیناس مورد  
یک ها بود و کمتر مورد نقد  
فت. او در سال ۱۲۷۴ م. از

### بازیابی

به فعالیت «تکمیل کنید» برگردید و با توجه به بیان ابن سینا، به سؤال های زیر پاسخ دهید.

- ۱ آیا چهار گزاره طرح شده، با بیان ابن سینا هماهنگ اند؟ بله (م. گزاره ها را مشخص کنید)
- ۲ کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تأیید می کند؟ گزاره ۲ و ۴ بار روشنی بیشتری نمایند و وجود از ماهیت را بیان می کنند.

### گذری تاریخی

۱۳ (توجه ویژه فارابی و بیان دقیق ابن سینا در این بحث بدین معنا نیست که فیلسوفان گذشته به این موضوع توجهی نداشته اند. ارسطو در کتاب «مابعدالطبیعه»، وجود را از ماهیت جدا می سازد، اما به توضیحات کوتاهی اکتفا می کند.) ۱۴

۱۵ (به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا عنوان هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه ای که گفته اند «فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.»<sup>۲</sup> این نظر، پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز قرار گرفت که در جای خود درباره آن سخن خواهیم گفت.) ۱۵

۱۶ (یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس»<sup>۳</sup>، که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، این نظر را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد.<sup>۴</sup> او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار فلسفه توماسی - تومیسم<sup>۵</sup> در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.) ۱۶

۱۷ (فلاسفه دیگری مانند آلبرت کبیر<sup>۶</sup> و راجریکن<sup>۷</sup> نیز نظری نزدیک به توماس

۱. ابن بطریق دوم، بد نقل از کتاب بنیاد حکمت سبزواری از پروفسور توشی هیکوایزوتسو، ص ۵۱.



اکوئیناس داشتند (اینان در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه‌ای را در اروپا ترویج می کردند که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی «ابن رشد» بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند) (گرچه از قرن ۱۶ میلادی بارشد تجربه گرایی، این دیدگاه‌ها جای خود را به فلسفه های حس‌گرا و تجربه‌گرا دادند) <sup>۱۷</sup>  
<sup>۱۸</sup> (این نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه گفت و گوهای مهم فلسفی فراوانی را فراهم آورد که تا عصر ملاصدرا دنبال شد و تا امروز هم ادامه یافته است) <sup>۱۹</sup>

به کار ببندیم

۱. به گزاره های زیر توجه کنید و بگویید ترتیب آنها چگونه باید باشد و چرا؟ ابتدا ما بر بی حس هستیم بعد
  ۱. من می توانم اشیاء را بشناسم. ۳
  ۲. من هستم. ۱
  ۳. اشیاء هستند. ۲
۲. علی و محمد در حال گفت و گو بودند، از دور حیوانی را دیدند علی گفت آن حیوان «شیر» است ولی محمد گفت آن حیوان «پلنگ» است، وقتی حیوان نزدیک شد دیدند نه شیر است و نه پلنگ، بلکه ببر است. به نظر شما چه نتیجه ای می توان در نسبت بین چستی و هستی حیوان گرفت؟ مفهوم چستی و هستی متفاوت هستند
۳. به گزاره های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول ها به موضوع ها نیازمند دلیل است و چرا؟
  ۱. انسان حیوان است. - نیازمند دلیل نیست؛ چون جزء ماهیت انسان است.
  ۲. انسان شیر است. - متنیع است. (نه در ذهن نه در خارج با انسان یکی نیست)
  ۳. انسان مخلوق است. - " " " " " " " " (نیازمند دلیل عقلی)
  ۴. انسان ناطق است. - " " " " " " " " (نیازمند دلیل عقلی)
  ۵. انسان موجود است. - " " " " " " " " (نیازمند دلیل تجربی و حسی)
۴. آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟ خیر - زیرا سه ضلعی بودن جزء ذات و ماهیت مثلث است.

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir